

یادداشت

بی‌اعتمادی و «مسئله تعهد»

انقلابی که یکی از اصول بنیادینش، استقلال از قدرت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا بود، پس از انقلاب نیز آمریکا مسیر تقابل را در پیش گرفت. از حمایت از رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی گرفته تا اعمال تحریم‌های گسترده اقتصادی و فناوری علیه ایران. همه این اقدامات از دید مردم و مجموعه حاکمیت در ایران نشانه‌هایی از رفتارهای خصمانه بودند که امکان گفت‌وگوی برابر و محترمانه را از بین بردند.

۲- **برجام؛ امیدی که به نایمیدی بدل شد**

مقطعی که در آن مفهوم «مسئله تعهد» به‌شدت برجسته شد، تجربه برجام بود. پس از سال‌ها مذاکره فشرده، توافقی چندجانبه میان ایران و قدرت‌های جهانی شکل گرفت که به موجب آن، ایران محدودیت‌های گسترده‌ای را در برنامه هسته‌ای خود پذیرفت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها پایبندی ایران به تعهداتش را تأیید کرد. اما در نهایت، دولت دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ به طور یک جانبه از توافق خارج شد. این اقدام، ضربه‌ای سنگین به اعتبار دیپلماسی و تعهدات بین‌المللی وارد کرد. ایران، که با حسن‌نیت وارد توافق شده بود، ناگهان با موجی از تحریم‌ها و فشارهای شدید اقتصادی روبه‌رو شد و این اتفاق به یکی از مهم‌ترین مصادیق مشکل تعهد بدل شد؛ اینکه حتی اگر توافقی شکل بگیرد، طرف مقابل می‌تواند به‌سادگی از آن خارج شود. این تجربه، در داخل ایران نیز موجب تضعیف گفتمان دیپلماسی در دولت مذاکره‌کننده و نیروهای معتدل و بی‌اعتمادی عمومی درباره آمریکا شد و باعث تقویت گفتمان گروه‌هایی شد که از ابتدا به مذاکره با آمریکا بدین بودند؛ گفتمانی که می‌توانست به اساس دیپلماسی نیز آسیب بزند، به گونه‌ای که هرگونه دیپلماسی را حتی در شرایط اجماع حاکمیتی مردود بداند. طرفداران این گفتمان اکنون با اتکا به تجربه برجام، این پیام را تکرار می‌کنند که آمریکا قابل اعتماد نیست و هر توافقی با آن محکوم به شکست است و این خود یکی از موضوعات جدی در مسیر مذاکرات مجدد است.

۳- **بی‌اعتمادی دو جانبه؛ نبیست دیپلماسی**

جیمز فیرون در نظریه «مسئله تعهد» توضیح می‌دهد که حتی زمانی که دو طرف یک مناقشه خواهان حل‌وفصل دیپلماتیک هستند، ممکن است به دلیل نبود اعتماد به پایبندی طرف مقابل، حاضر به امضای توافق یا اجرای آن نشوند. این دقیقاً همان وضعیتی است که امروز بر روابط ایران و آمریکا سایه انداخته است. در گزارش منتشرشده در ۵ سپتامبر (۱۴ شهریور) در نشریه فارن افرز اشاره شده که حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به سه مواضع ایران، هم‌زمان با روند مذاکرات، پیام‌های متناقضی به تهران ارسال می‌کند. از یک سو آمریکا ادعای تمایل به مذاکره و دیپلماسی دارد و از سوی دیگر، با اعمال فشار، تهدید نظامی، ترور فرماندهان و اعمال تحریم‌های جدید، زمینه را برای هرگونه اعتماد از بین می‌برد. در ایران، چنین رفتارهایی موجب تقویت جریان‌هایی شده است که نه‌تنها مذاکره را بی‌فایده می‌دانند، بلکه آن را ابزار آمریکا برای فریب و وقت‌کشی تلقی می‌کنند. این در حالی است که در ایالات متحده نیز، قطب‌بنیست سیاسی شدید مانع از آن شده است که توافقی مانند برجام بتواند به یک چارچوب پایدار و دوحزبی تبدیل شود.

۴- **چه باید کرد؟ راهکارهایی برای عبور از چرخه بی‌اعتمادی**

حل مشکل تعهد، ساده نیست. نیازمند بازسازی تدریجی اعتماد از طریق اقدامات عملی است. در شرایط کنونی، هرگونه توافق جدید تنها زمانی موفق خواهد بود که شامل سازوکارهای اجرایی، ضمانت‌های اجرایی و پشتیبانی سیاسی در هر دو کشور باشد. در این مسیر، چند پیشنهاد مشخص قابل طرح است:

- بازگشت عملی آمریکا به تعهدات نقوشده و رفع تحریم‌ها:** تنها با اقدامات ملموس است که اعتماد از دست رفته بازسازی می‌شود.
- پیش‌بینی ضمانت‌های بین‌المللی در توافق جدید:** مشارکت قدرت‌های ثالث برای تضمین اجرای توافقی می‌تواند خطر نقض را کاهش دهد.
- تنش‌زدایی میدانی:** توقف حملات نظامی، تهدیدها و تحرکات تحریک‌آمیز و ارائه تضمین در این زمینه از سوی آمریکا برای اعتمادسازی ضروری است.
- رفع قطب‌بندی در سیاست داخلی آمریکا:** یک توافق زمانی پایدار خواهد بود که از حمایت دو حزب برخوردار باشد، نه اینکه هر چهار سال با تغییر دولت، زیر سؤال برود.
- نقش مابجایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی:** کشورهای بی‌طرف یا قدرت‌هایی مانند چین و روسیه می‌توانند نقش واسطه برای ایجاد اعتماد میان دو طرف ایفا کنند.
- نتیجه‌گیری: ایجاد اعتماد در میدان عمل** مسئله اصلی در روابط ایران و آمریکا، نه صرفاً اختلافات سیاسی یا ایدئولوژیک، بلکه فقدان اعتماد و نبود تضمین برای اجرای توافقات است. تا زمانی که نگرانی ایران از نقض تعهدات رفع نشود، حتی بهترین توافقی‌ها نیز شانس موفقیت نخواهند داشت. ایران همواره با حسن‌نیت وارد مذاکرات شده است و این در حالی است که آمریکا از طرق مختلف، مستقیم و غیرمستقیم و به بهانه‌های مختلف حتی خارج از چارچوب هسته‌ای از تلاش برای ضربه‌زدن به ایران دریغ نکرده است. مفهوم «مسئله تعهد» ما را وادار می‌کند تا واقعیت‌نامه به دیپلماسی نگاه کنیم. اگر قرار است مذاکرات موفق شوند، باید پایه‌های آن -یعنی اعتماد، ضمانت اجرایی و احترام متقابل- ابتدا بنا نهاده شود. در غیراین‌صورت، هر مذاکره‌ای صرفاً پوششی برای ادامه همان بی‌نت‌بست خواهد بود.

به‌صدا درآمدن رنگ‌های خطر در بازار کار ایران

براساس آمار منتشرشده از سوی بانک مرکزی، درآمد واقعی کارکنان دولت در این دوره به طور متوسط سالانه حدود ۱۱.۷ درصد کاهش یافته و بخش بزرگی از کارگران که حداقل مزد قانونی را دریافت می‌کنند، هر ساله با کاهش شش درصدی در درآمد واقعی مواجه بوده‌اند. این افراد بخش بزرگی از طبقه متوسط کشور را تشکیل می‌دهند که سفره آنها مرتباً کوچک شده و با نگرانی درباره آینده دست به گریان‌اند.

تشدید بحران بازار کار

از سال ۱۴۰۴ به بعد شوک‌های منفی متعدد بر اقتصاد ایران ضربه زده است. قطع برق و آب، جنگ و احساس تعلیق پس از آتش‌بس چشمه سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد را خشک کرده و به جامعه‌ای که پیش‌تر بر اثر تحریم‌های ظالمانه تضعیف شده، آسیب‌های جدی وارد آورده است. بسیاری از بنگاه‌های کوچک و متوسط و حتی بزرگ که در تأمین نهاده‌های مورد نیاز خود، از آب و برق و گاز و گازوئیل گرفته تا مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای با چالش‌های بزرگی دست به گریان هستند و چشم‌انداز مثنی هم پیش‌رو ندارند، به تعدیل نیروی انسانی خود اقدام می‌کنند. به‌همین‌خاطر انتظار می‌رود که در نیمه دوم سال ۱۴۰۴ و به‌ویژه در سال ۱۴۰۵ ناقوس خطر در بازار کار به صدا درآید، زیرا تداوم قطع برق و افت شدید سرمایه‌گذاری، بروز رکودی جدی در اقتصاد و افزایش فقر و بیکاری را به دنبال خواهد داشت. از سویی دیگر انرژیکشی ابزارهای متعارف پولی، مالی و ارزی برای مقابله با چالش‌های فزاینده اقتصاد از میان رفته و وضعیت اقتصادی به‌سرعت بدتر می‌شود. خانوارهایی که در ۱۴ سال گذشته با مشکلات بسیاری دست‌وپنجه نرم کرده‌اند، با تشدید چالش‌های اقتصادی بیش‌ازپیش فرسوده و ناراضی خواهند شد. چنین وضعیتی می‌تواند زمینه‌ساز گسترش ناآرامی‌های اجتماعی شود. انتظار می‌رود که دولت و دیگر نهادهای تصمیم‌ساز با اعمال سیاست‌های مناسب برای ازبمان‌بردن خطر جنگ و رفع تحریم‌های اقتصادی اقدام کنند و با تأکید بر ضرورت در اولویت قرارگرفتن هدف توسعه اقتصادی، چشم‌انداز روشنی برای گسترش فعالیت بخش خصوصی ترسیم کنند.



گزارشی از پشت صحنه نمایش «الیور توئیست» به کارگردانی حسین پارسایی

الیور توئیست زیر آسمان پرستاره

نیم‌ا ادیبی: این روزها در چند سوله در میانه شهریک گروه تئاتری مشغول تمرین نمایشی هستند که قرار است این بار به شکل میدانی در استادیوم تپیس انقلاب اجرا شود. نمایش «الیورتوئیست» برای اولین بایز سال ۱۳۹۶ در تالار وحدت به کارگردانی حسین پارسایی روی صحنه رفت و حالا این کارگردان تصمیم دارد آن را به شکل و شمایلی تازه به صورت میدانی در سالتنی که سال گذشته نمایش «نبرد رستم و سهراب» را در شکبیا که مثل اجرای قبل در نقش «فاگین» بازی می‌کند، در میان بازیگران حضور دارد و به طباطبایی پیشنهادهایی می‌دهد. بازیگران اصلی در این نمایش با چالش مهمی روبه‌رو هستند؛ چراکه این بار با بازیگران کودک و نوجوانی هم‌بازی شده‌اند که نقش اصلی در «الیور توئیست»، بر عهده دارند.

در صحنه بعدی هوتن شکبیا با بازیگران کودک و نوجوان تمرین دارد. آنها از شروع تمرین با بدن‌شان را گرم کنند. موسیقی در سالن پخش می‌شود و یکی از اعضای گروه مقابل بچه‌ها تمرینات بدنی انجام می‌دهد و آنها هم به تاسی از او شروع به تمرین می‌کنند. او اصرار دارد بعد از هر حرکت فریاد بزنند تا هم انرژی‌شان بالاتر برود و هم اینکه تمرینات صدا از همین‌جا آغاز شود. با پخش موسیقی و شروع تمرینات بدنی، بچه‌ها شور و شوق تازه‌ای به دست می‌آورند.

فاگین بیشترین ارتباط را با بچه‌ها دارد و طبیعی است که با تجربه‌ای که از اجرای قبلی اندوخته، راحت‌تر می‌تواند با آنها کنار بیاید و حتی آنها را آماده ایفای نقش کند. حالا به نظر می‌رسد اعضای گروه و به‌ویژه هوتن شکبیا صرفاً به نقش خود اکتفا نمی‌کنند و در صحنه‌های دیگر همراه کارگردان هستند و تجربیات خود را در اختیار گروه بچه‌ها می‌گذارند. حدود ۳۰ بازیگر کودک و نوجوان در صحنه حضور دارند و به فراخور صحنه‌ها، گروه کارگردانی توصیه‌هایی را گوشزد می‌کند. پارسایی از بچه‌ها می‌خواهد اکت‌هایی را که در این صحنه دارند، بنویسند و در جلسه بعدی همراه خود بیاورند. او علاوه بر تمرین، به آنها تکلیف در منزل هم می‌دهد. از آنها می‌خواهد اکت‌ها و میمیک‌های واقعی خود را در این صحنه داشته باشند. می‌گوید خود واقعی خود را روی صحنه بیاورید. اما تکلیف دیگری هم می‌دهد و از آنها می‌خواهد وسایل و اکسسوری که قرار است در نوانخانه و در این صحنه خاص همراه داشته باشند، پیشنهاد دهند و یادداشت کنند و برای جلسه بعد با خود بیاورند. هوتن شکبیا جزئیات بیشتری را به بازیگران الیور و داجر گوشزد می‌کند که در بازی‌شان تأثیر مهمی دارد. پارسایی از توانایی و استعداد بالای این بچه‌ها می‌گوید و تأکید می‌کند که بیش از ۳۰ کودک و نوجوان مستعد ماه‌ها آموزش دیده‌اند، تمرین کرده‌اند و با قابلیت بالا تربیت شده‌اند که در آینده نزدیک جزء بازیگران تئاتر و سینما خواهند بود.

پارسایی درباره تفاوت این دو اجرا می‌گوید: «در طراحی صحنه، لباس، نور، چهره‌پردازی و جلوه‌های ویژه کاملاً بدیع و متفاوت عمل کرده‌ایم. نمایش‌نامه را هم آقای کوهستانی بازنویسی کرده‌اند و تغییرات متناسب با مکان و ایده‌های جدید اجرا ایجاد شده است. ابعاد صحنه نیز چندین برابر گذشته است.

موسیقی تغییرات گسترده‌ای داشته و بخش‌هایی به صورت زنده با تعدادی نوازنده و خوانندگان اجرا خواهد شد.

گروه صحنه و لباس هم بخشی از یک سوله را در اختیار دارند و با جدیت در حال دوخت‌دوز لباس‌ها و ساخت کلاه‌ها و اکسسوار صحنه هستند. ب‌راحتی می‌توان گفت تقریباً هر روز بیش از ۱۵۰ نفر از بازیگران و گروه حرکت گرفته تا طراحان و عوامل پشت صحنه و گروه‌های تولید و تدارکات به این سوله‌ها رفت‌وآمد دارند تا بتوانند کارها را پیش ببرند. یک گروه پنج‌نفره خیاطی در حال دوخت لباس‌ها هستند و چند نفر هم در حال تزئینات لباس، ساخت کلاه و... هستند. در گوشه‌ای دیگر عده‌ای مشغول ساخت‌وساز اکسسوار هستند. سهیل دانش‌اشراقی، مدیر هنری و طراح صحنه و لباس می‌گوید: «در این اجرا مدل کارگردانی آقای پارسایی تغییر کرده، میزانشن‌ها عوض شده و دکور کاملاً بازطراحی شده است. ابعاد صحنه دو تا سه برابر تالار وحدت شده و با توجه به اینکه نمایش در استادیوم اجرا

می‌شود، ظرفیت تماشاگران هم چند برابر تالار وحدت است. طبیعی است که دکور و صحنه و چیدمان نیز باید متفاوت طراحی شوند. طبیعتاً کار گسترده‌تر و سخت‌تر از اجرای قبلی است. در آن زمان تجربه کمتری داشتیم و ابعاد کار کوچک‌تر بود. اما حالا با توجه به پروژه‌های بزرگی که در این سال‌ها کار کرده‌ایم، مثل «هفت‌خان اسفندیار» و مهم‌تر از همه «رستم و سهراب»، توقع از خودمان هم بالاتر رفته است. بنابراین کار جدید نمی‌تواند در ابعاد قبلی بماند و باید بزرگ‌تر و گسترده‌تر باشد.»

او‌که در این اجرا برخلاف اجرای قبلی «الیور توئیست» طراحی لباس را هم برعهده دارد، درباره طراحی‌اش توضیح می‌دهد: «طراحی لباس‌ها کاملاً متفاوت است و هیچ شباهتی به اجرای قبلی ندارد. البته چون الیور توئیست براساس رمان چارلز دیکنز است، فرم کلاسیک اثر حفظ شده و در عین حال در بخش‌هایی از تخیل استفاده کردم تا لباس‌ها ر‌ئال‌تر باشند و از حالت صرفاً تئاتری بیرون بیایند؛ به‌ویژه اینکه ساخت‌وساز اکسسوارها توسط گروه صحنه و لباس انجام می‌شود و چیزی از بیرون تهیه نمی‌کنیم. همین موضوع کار را سخت‌تر می‌کند؛ به‌خصوص درمورد ساخت کلاه‌ها و اکسسوارهای خاص.»

در سوله دیگر گروه حرکت مشغول تمرین هستند. سروش کریمی‌نژاد طراح حرکت با گروه‌های چند نفری به طور مجزا در حال تمرین است. سبدهای کل که بخشی از اکسسوار یکی از صحنه‌ها هستند، در کنار سالن گذاشته شده‌اند که تعدادی از اعضای گروه حرکت باید آنها را در هنگام اجرا با خود حمل کنند. موسیقی صحنه‌های مختلف پخش می‌شود و اعضای گروه حرکت در دسته‌های مختلف مشغول تمرین می‌شوند. کریمی‌نژاد هم مانند بازیگران اصلی، چالش آموزش کودکان و نوجوانان را در این اجرا به همراه دارد. اما او این همراهی را راحت‌تر از کار با بازیگران حرفه‌ای می‌داند؛ چراکه معتقد است آنها پذیرش بیشتری دارند. کریمی‌نژاد می‌گوید: «بچه‌ها مثل یک برگه سفید یا مثل خمیر هستند که هنوز شکل نگرفته‌اند و می‌توان راحت‌تر به آنها فرم داد. شاید انتقال مفاهیم به آنها کمی سخت باشد، اما وقتی چیزی را می‌پذیرند، پذیرش‌شان بسیار بهتر و راحت‌تر از بزرگ‌ترهاست. درست است که بازیگوشی و شیطنت دارند، اما وقتی جهان‌شان در خدمت اثر قرار می‌گیرد، همان نقشی را که بازی می‌کنند، جدی می‌گیرند و خودشان را در خدمت کار می‌گذارند. او‌که در نمایش «نبرد رستم و سهراب» هم همین مسئولیت را برعهده داشت، با اشاره به تفاوت این دو نمایش میدانی می‌گوید: «در «رستم و سهراب» ما تقریباً سه‌سویه کار می‌کردیم و مخاطب از سه جهت به صحنه اشراف داشت. اما در الیور توئیست، هرچند مخاطب همچنان به صحنه اشراف دارد، اما در نهایت یک قاب مشخص داریم که خیال من طراح را کمی راحت‌تر می‌کند؛ یعنی می‌توانم بگویم زوایایی که مخاطب با اثر مواجه می‌شود، خیلی مشخص‌تر است. در پروژه قبلی من تقریباً باید ۲۷۰ درجه مخاطب را در نظر می‌گرفتم و این، کار را بسیار سخت‌تر می‌کرد. از سویی در آن نمایش ما باید جهانی ذهنی از خودمان می‌ساختیم، اما اینجا به یک مابازار تاریخی داریم. به خاطر وجود منابع دست ما در این نمایش بازر است.»

اجرای تازه «الیور توئیست» تجربه جدیدی خواهد بود. برخی معتقدند اجرای این نمایش متناسب سالن بسته‌ای مانند تالار وحدت است، اما پارسایی دراین‌باره می‌گوید: «بعضی‌ها نگران هستند که اجرای جدید در استادیوم تپیس مثل تالار وحدت دیده نشود. اما باید بگویم هر مکانی براساس طراحی صحنه نمایش تعریف می‌شود. در تالار وحدت نمایش در سالن مسقف اجرا شد، اما در استادیوم تپیس با طراحی محیطی روبه‌رو هستیم؛ جایی که از احتیاط و معماری استادیوم بخشی از صحنه است. بنابراین می‌توان گفت الیور توئیست را هر کجا می‌توان اجرا کرد، فقط طراحی صحنه باید با محیط متناسب شود. در اجرای جدید هم علاوه بر جلوه‌های بصری قبلی، ظرفیت بیشتری برای پذیرش تماشاگر داریم.»

پارسایی در پایان ضمن ابراز تشکر از مجموعه همکارانش، از حضور و همراهی جلیل کیا در مقام سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده در بخش خصوصی قدردانی کرد.

«ریش فیدل، غبغب مرکل» در تالار حافظ به روی صحنه می‌آید

می‌رود و دست به سرقت می‌زند. فردای آن شب اهل ده می‌فهمند هرچه در دیده‌ده عارهایی بوده است... دیگر عوامل اجرایی نمایش عبارت‌اند از: طراح لباس: پانیز حمیدیان‌فر، سرپرست گروه موسیقی: یاشار مؤمن‌زاده، طراح گریم: سارا اسکندری، طراح نور: رضا خضرائی، طراح گرافیک: عباس سعیدی، عکاس: رضا جاویدی و رامتین جهانبانی، طراحی و ساخت تیزرهای تبلیغاتی و ویدئویروچکش: آلویس استودیو، مشاور طراحی صحنه: فائزه آئین، دستیار کارگردان: یاسمن ملکیان، منشی صحنه: رومینا ایران‌پناه آزاد و ملیکا راد، مدیر صحنه: امیرحامد طالبیان، مدیر روابطعمومی و تبلیغات: امیر پارسائیان‌مهر، مشاور تبلیغات: گروه تبلیغات پارکینگ، عکس و فیلم پشت صحنه: محمدقادر قادری، سرپرست گروه گریم: محدثه منصور، مجریان گریم: نورا مدرس‌زاده و مهسا فرزاد، ساخت دکور و مشاور فنی: حسین طاهربخش، دستیاران ساخت دکور: محمد طاهربخش و ابراهیم محمدی‌پور، دوخت لباس: مهری کاظمی (مزون ریخانه)، ساخت تن‌پوش: طیبه آندجانی، دستیاران صحنه: علی خاکپور و محمدجواد قادری، دستیار لباس: اسرا صالحی، دستیاران نور: مریم پرهیزکار، محمدحسین باکونی و اکبر بهرامی، این خبر در پایان خاطرنشان می‌کند نمایش کم‌دی-موزیکال ریش فیدل، غبغب مرکل» از دهه سوم شهریور، هر شب ساعت ۲۱ در تالار حافظ پذیرای حضور مخاطبان است و پیش‌فروش این نمایش بزودی در سایت تیوال آغاز می‌شود.

اخبار برگزیده

«باشو غریبه کوچک» بهترین فیلم بخش کلاسیک ونیز شد

نسخه مرمت‌شده فیلم «باشو غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی، جایزه بهترین فیلم بخش کلاسیک هشتادودومین جشنواره فیلم ونیز را به خود اختصاص داد. نسخه مرمت‌شده فیلم «باشو غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی امسال در بخش کلاسیک جشنواره ونیز به نمایش گذاشته شد و در نهایت جایزه بهترین فیلم این بخش را کسب کرد. بخش کلاسیک جشنواره ونیز امسال به نمایش جهانی نسخه‌های مرمت‌شده ۱۸ شاهکار سینمایی از کشورهای مختلف می‌پردازد که در طول یک سال گذشته توسط آرشیوها، نهادهای فرهنگی و شرکت‌های تولید فیلم بازسازی شده‌اند.

فیلم «باشو غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی محصول ۱۹۸۶ که توسط استودیو روش‌نا با حمایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مرمت شده، توسط کمپانی فرانسوی «mk2 Films» در جشنواره ونیز ارائه شد. فیلم «باشو غریبه کوچک»، یکی از آثار ماندگار و مهم سینمای ایران است که به کارگردانی بهرام بیضایی ساخته شد. ماجرا درباره پسربرچهای جنوبی به نام باشو است که در جریان جنگ ایران و عراق خانواده‌اش را از دست می‌دهد. او اثر بر بمباران و ناامنی، سوار یک کامیون می‌شود و سر از شمال ایران درمی‌آورد. در روستایی سرسبز در گیلان، زنی کشاورز به نام نایی (با بازی سوسن تسلیمی) او را می‌یابد و به خانهاش می‌برد.

جیم جارموش برخلاف

پیش‌بینی‌ها برنده شیر طلایی ونیز شد

مراسم اعطای جایز هشتادودومین جشنواره فیلم ونیز با معرفی برندگان در بخش‌های مختلف برگزار شد. مراسم اختتامیه جشنواره فیلم ونیز در حالی به کار خود پایان داد که برخلاف اغلب پیش‌بینی‌ها، جایزه شیر طلایی بهترین فیلم به «پدر، مادر، خواهر، برادر» ساخته جیم جارموش، کارگردان آمریکایی، رسید. جایزه هیئت داوران بخش «واقعیت مجازی» نیز به «نیم‌مقال زعفران» ساخته نگار مطلبی میدان‌انها، سینماگر ایرانی رسید.

بخش مسابقه اصلی

شیر طلایی بهترین فیلم: «پدر، مادر، خواهر، برادر» ساخته جیم جارموش (آمریکا)

جایزه ویژه هیئت داوران: فرانچسکو رُزی

برای مستند «زیر ابرها» (ایتالیا)

شیر نقره‌ای (جایزه بزرگ هیئت داوران):

«صدای هند رجب» به کارگردانی کوثر بن‌هنیه

شیر نقره‌ای برای بهترین کارگردانی: بنی صفدی برای فیلم «ماشین خردکننده» (آمریکا)

جام ولپی برای بهترین بازیگر زن: شین زُی لی برای فیلم «خورشید بر همه ما می‌تابد» ساخته کای شانگ جون (چین)

جام ولپی برای بهترین بازیگر مرد: تونی سروبیلو برای «La Grazia» ساخته پائولو سورتینو (ایتالیا)

اوسلا طلایی برای بهترین فیلم‌نامه: والری دونزلی و ژیل مارشان برای فیلم «در حال کار» ساخته والری دونزلی (فرانسه)

جایزه‌مارچلو ساسترونایی برای بازیگر نوظهور (زن/مرد): لونا ولدلر برای فیلم «دوست ساکت» ساخته ایلدیکو آنیدی، محصول مشترک آلمان، فرانسه و مجارستان

بخش افق‌ها

بهترین بازیگر زن: بندتا پورکارولی، ربه‌دشن آربلا

بهترین بازیگر مرد: جیاکومو کووی، سال مدرسه

بهترین فیلم‌نامه: آنا کریستینا باراکان برای پیچک

بهترین فیلم کوتاه: بی‌کلی، به کارگردانی لوویسا سیرن

جایزه لوییجی د لورتیس برای فیلم اول: تابستان کوتاه، ساخته ناستیا کورکیا

بخش کلاسیک‌های ونیز

بهترین مستند درباره سینما: ماتا هاری، به کارگردانی جو بشنکوفسکی و جیمز ای اسمیت

بهترین فیلم بازسازی‌شده: باشو، غریبه کوچک، به کارگردانی بهرام بیضایی

بخش فیلم‌های امبرسیو (واقعیت مجازی)

جایزه بزرگ: ابرها دو هزار متر بالاترند، ساخته سنجیک چن

جایزه ویژه هیئت داوران: نیم‌مقال زعفران، ساخته نگار مطلبی میدان‌انها

جایزه دستاوردها: وداعی طوانی، ساخته کیت فوت و ویکتور ماز